



در سوگ «پروانه بهار»، فرزند «ملک‌الشعرا بهار»

دختری در آستان و آستین پدر

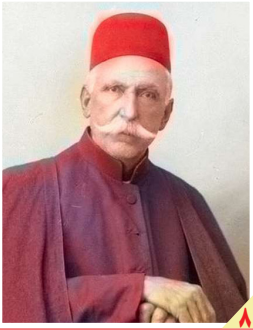
چهارشنبه ۲۶ مرداد ۱۴۰۱ - ۱۹ محرم ۱۴۴۴ - ۱۷ آگوست ۲۰۲۲

شهرنامه

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

درگذشت استاد نقاش دور از دیار

آخرین روزهای کمال الملک چگونه گذشت؟



سال هفتم - شماره ۱۹۹۹ - ۸ صفحه - قیمت ۲۰۰۰ تومان

آسیب‌پذیری ۷۴۳ نفر در یک سال به دلیل حوادث کار در تهران

ایمنی؛ شاخص کم‌رنگ در محیط‌های شغلی

سخنان عجیب کوشکی؛ فعال سیاسی اصول‌گرا؛

ورود زنان به ورزشگاه هیچ ربطی به فیفا ندارد

واکنش تند وزیر کشور به یادداشت میر حسین موسوی

هر کد ملی یک خودرو!

وزارت میراث فرهنگی جوابیه مفصلی به دفتر روزنامه ار سال کرد

پاسخ به گزارش همدلی درباره ضربات

گزارش کمیسیون عمران درباره حادثه ریزش متروپل آبادان

۲۵ ستون متروپل حذف شده بود

چشم‌ایران

به‌برجام

پایان امروز ضرب‌الاجل تهران

واکنش بازار

به خبرهای برجام

بی‌اطلاعی نمایندگان

از محتوای مذاکرات



سرمقاله

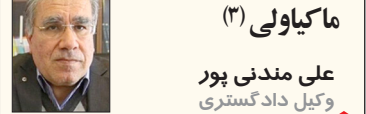
دولت‌مردان بی‌عدد



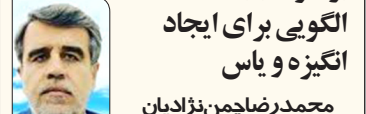
استقرار منتقدان حسن روحانی در کرسی‌های مدیریت کلان دولت سیزدهم نشان داد فاصله‌ای میان روبرو شدن با واقعیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خیلی دور نیست. شرح در همین صفحه

یادداشت‌ها

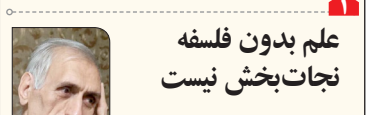
نامه‌ای به آقای ماکیاولی (۳)



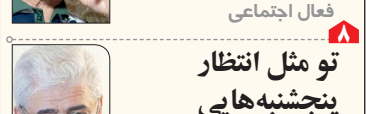
بر خورد با باز نشستگان الگوی برای ایجاد انگیزه و یاس



علم بدون فلسفه نجات‌بخش نیست



تو مثل انتظار پنجشنبه‌هایی



گزارش کمیسیون عمران درباره حادثه ریزش متروپل آبادان

۲۵ ستون متروپل حذف شده بود

دولت‌مردان بی‌عدد

رضا صادقیان - استقرار منتقدان حسن روحانی در کرسی‌های مدیریت کلان دولت سیزدهم نشان داد فاصله‌ای میان روبرو شدن با واقعیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خیلی دور نیست. وقتی دولت‌مردان فعلی بیرون از ساختار دولت بودند و جاهای مختلفی برای ارائه سخنرانی و برنامه‌ها دعوت می‌شدند، انجام شدن هر کدام از کارهای مرتبط و غیرمرتبط با دولت، بسیار آسان و سهل می‌نمود. کافی است برای مرتبه‌ای دیگر اظهارات کاندیدای ریاست جمهوری و چهره‌های شاخص دولت سیزدهم را در چهار سال گذشته مرور کنیم؛ اکثر موضع‌گیری این افراد در رسانه‌ها و توییتر موجود است. بی‌تردید به نتیجه‌ای جزء بهبود شرایط پس از تغییر دولت و بیرون کردن «بی‌عرضه‌ها» و «پنهان‌جوها» و «نزلال‌های فسیل» نخواهیم رسید. در واقع مخاطب با تصویری از آینده روبروست و به این نتیجه غیرواقعی و کاذب رسانده می‌شود که با تغییر آدم‌ها و جابه‌جا شدن چهره‌ها می‌توانیم به توسعه و پیشرفت در بخش‌های مختلف برسیم و حل این معضل بزرگ به‌غیراز رفتن دولت حسن روحانی، راه درمان دیگری ندارد. از همین‌رو می‌گفتند؛ پس از رفتن دولت دوازدهم پروژه‌های عمرانی نیمه‌کاره را تمام کنیم، تورم را کنترل نماییم، دردهای مردم را مرهم بگذاریم، وضعیت بورس را در سه روز بهبود ببخشیم، مقابل کوه برف نقدینگی ایستادگی کنیم... اما کارنامه یک‌ساله دولت و آنان که در گذشته هر تصمیم دولت یازدهم و دوازدهم را نقد و نفی می‌کردند و از منابع مالی محدود برای کنترل بازار ارز سستی‌نامند و راهکارهای ساده و آسان در دولتی‌سازی سخن‌ها می‌گفتند، پیش‌روی ما است. کناره‌گیری اجباری وزیر سابق کار و رفاه اجتماعی، به حاشیه رفتن چهره‌های اقتصادی دولت مانند محسن رضایی و فرهاد رهبر، انتقادهای گسترده اصول‌گرایان و نمایندگان مجلس نسبت به تصمیم‌های وزارت اقتصاد و معاون اول رئیس‌جمهور، انتقاد به تصمیم‌گیری‌های وزیر نفت به اسم رسالت اجتماعی، نامشخص بودن طرح نهضت ملی مسکن، بر زمین ماندن پروژه‌های نیمه‌کاره، افزایش قیمت کالاهای اساسی، رشد نقدینگی و... روایت کاستی‌ها، ناتوانی‌ها و سیاست‌گذاری‌های اشتباه دولت سیزدهم است. اشتباهاتی که امکان دفاع از آن را حتی برای چهره‌های اصول‌گرا و مدافعان سابق با دشواری روبرو کرده است. به‌عنوان مثال؛ رسانه رسمی دولت با انتخاب تیترو «سی اقدام شاخص اقتصادی دولت در گفتگو با سی اقتصاددان» به سراغ چهره‌های اقتصادی و مدافع سیاست‌های دولت رفته است تا از دستاوردهای دولت سیزدهم برای مخاطبان بگوید. در میان لیست سی نفره اقتصاددانان حتی به اسم چهره‌های اقتصادی و اقتصاددانان بنام و نزدیک به جریان اصول‌گرا نیز روبرو نیستیم. مهم‌ترین نکته در این گزارش بیان گزاره‌هایی است که امکان اثبات آن با اعداد و ارقام برای ناظران سیاسی و اقتصادی فراهم نیست؛ متن گزارش گواه این مدعاست. در واقع ما با متنی سراسر ارجاعی به آینده روبرو هستیم، آینده‌ای که هنوز برای شهروندان ایران امروز قابل‌دسترس نیست. اقتصاددانان نزدیک به دولت از کارهایی می‌گویند که نمی‌توان با تکبیر اعداد، آنان را برای مخاطبان بازسازی کرد و به‌صورت مشخص آدرس فعالیت‌های قابل ملموس را ذکر نمود. مثلاً و در همین گزارش مورد اشاره برخی از اقتصاددانان می‌گویند؛ تکیه به مردمی کردن اقتصاد توسط دولت، عدم استقرار از بانک مرکزی، افزایش قابل توجه فروش نفت، عدم پیوند اقتصاد به مذاکرات، سرمایه‌گذاری گسترده با منابع داخلی، ایجاد زیرساخت برای اصلاحات ساختاری و... چنانچه به متن گزارش رجوع کنیم با همین عبارات‌های کلی روبرو می‌شویم. مشخص نیست دولت سیزدهم میزان فروش نفت را از کدام نقطه به چه سطحی رسانده است، همچنین هویدا نیست دولت بر اساس کدام شاخص‌ها، اقتصاد را مردمی کرده و اساساً پارادایم اقتصاد مردمی چیست و... مهم‌ترین نکته در این گزارش غیبت اقتصاددانان واقعی است، چهره‌هایی که طی سال‌های گذشته منتقد دولت‌ها بوده‌اند و در شرایط متفاوت سخن خود را بدون پرده‌پوشی و در نظر گرفتن خوشایند دولت‌مردان بر زبان جاری ساختند. وقتی مدعیان سابق، منتقدان بی‌انصاف و چهره‌های سیاسی کم‌تجربه در جایگاه تصمیم‌گیری و مدیریت کلان قرار می‌گیرند، فاصله آنان با واقعیت‌ها نزدیک و نزدیک‌تر می‌شود، بنابراین درک آنان در مقام مقایسه با سخنان بدون بنیان ماه‌های گذشته تغییرات چشم‌گیری خواهد کرد. موضع‌گیری اکثر چهره‌های دولتی نسبت به سال گذشته در حوزه‌های مختلف به‌صورت عام و احیای برجام به شکل خاص تر آن قدر تغییر کرده که گاه مخاطب گمان می‌کند مدیران امروز در حال لبطال مواضع گذشته خود هستند، چراکه به واقعیت‌های غیرقابل کتمان نزدیک‌تر شده‌اند.

یادداشت

نامه‌ای به آقای ماکیاولی (۳)

علی مندنی پور - جناب ماکیاولی! نسخه‌ای که در آن جنگ قدرت میان خاندان‌ها و خانواده‌ها را از یک‌سو و دارودسته کارچاق‌کن‌ها لای‌ها از سوی دیگر را که شما از آن‌ها با اصطلاح sette یاد می‌کنید و باعث فساد و تباهی و در نهایت موجبات سقوط جمهوری ژم و زادگاهت فلورانس را فراهم آورده‌اند را به زیبایی هر چه تمام‌تر ترسیم می‌کنید. نسخه‌ای که در آن از فساد حکومتی گفته‌اید که ناشایستگان مناصبش را اشغال کرده‌اند. عالی‌جناب! اگر این همه غلّ و غش و ناخالصی که بدخواهان و منتقدان برایت ردیف کرده‌اند، یکجا در وجود جمع می‌بود، بازهم جای نگرانی نبود. وقتی در دنیایی که دارد کم‌کم از اخلاق تهی می‌شود و از اصول و ارزش‌های انسانی فاصله می‌گیرد، بازارت پرورق است و شهرت عالم‌گیر و تا دلت بخواهد تعداد عشاق سینه‌چاک و هواخواهان دواتشاه روزبه‌روز دوجندان می‌شوند، چه غمی داری؟ وقتی در فضای بهم‌ریخته‌ای که تشخیص خوب از بد به‌راحتی ممکن نیست و در آن زشت، لباس زیبا را می‌پوشد و زیبا از سر ناچاری لباس‌های زشت را بر تن کرده و راه خود را می‌گیرد و می‌رود، آدم‌ها مدام رنگ می‌بازند و جوامع به‌سرعت در حال پوست‌اندازی هستند، بنیان خانواده متزلزل و در شرایط سقوط قرار می‌گیرد و پدیده‌های ویرانگر بنام «زدواج سپید» آرام‌آرام جای خود را باز می‌کند و کمتر کسی در جای واقعی خود قرار گرفته و تغییر و تحولات غیرقابل‌پیش‌بینی و نظام سلسله‌مراتب از خانه تا مدرسه و خانواده و اجتماع به‌هم‌ریخته بی‌بندوباری بیداد می‌کند و سایه شوم خشونت، جنگ و آدم کشی هر روز بر پهنه دنیا گسترده می‌شود و... این همه دل‌مشغولی و نگرانی‌ات برای چیست؟ دنیای عجیبی است؛ درحالی که در حوزه نظری برای نمونه یک شهروند در این شهر و دیار چشم دیدنت را ندارد و همگان از مدینه فاضله سخن می‌گویند و از خیر و خوبی و نیکی و نیکویی دم می‌زنند و پیوسته از طریق وسایل ارتباطی جمعی و تریبون‌های در اختیار از گفتار نیک، پندار نیکوکاران نیک یادکرده، واعظان خود و مؤمنان را به رعایت تقوای الهی و اصول و ارزش‌های انسانی فرامی‌خوانند و از تو و آثار تیرباری جسته و برات حاصل می‌نمایند و خود «چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند.»

یادداشت

نامه‌ای به آقای ماکیاولی (۳)

محمد رضا چمن‌نژادبان - رسالت تاریخ به همراه متون قدیم و جدید رسیدن به علل و عواملی پدیده‌ها در جوامع مختلف است. برای تحقق واقعی و عینی این رسالت است که معمولاً اندیشمندان، محققان و مورخان با دقت خاصی تحولات موردتحقیق، مطالعات میدانی و بررسی اسنادی قرار می‌دهند. در همین راستا و با توجه به تنوع تحولات و پدیده‌ها بود که علوم متنوع، تخصصی و منسجم پدیدار شده‌اند. تاریخ، جامعه‌شناختی و روانشناسی به‌عنوان محوری‌ترین علوم انسانی هر کدام به شعب تخصصی تقسیم شدند و هر کدام از رشته‌های علوم انسانی به‌واسطه عناوین و رسالتی که برایشان تعریف‌شده، موضوعات مادی و معنوی را حول حوائج، مطالبات و علائق انسانی هدف‌گذاری کرده‌اند و به ابزاری مکتوب و متنقن برای درس‌آموزی شهروندان، سعادت‌مندی جوامع و انتقال تجارب به آیندگان تبدیل‌شده‌اند. چنانچه در بستر عناوین و موضوعات متنوع علوم مشاهده می‌شود، برای تحقق اهداف کلی و جزئی هر رشته برنامه‌ریزی‌های خاص صورت می‌گیرد؛ تا مطالب به شکل تجارب میدانی ریشه‌یابی و مستندسازی شوند. آنگاه پس از پردازش، ثبت و برای یادآوری و انتقال آماده می‌شوند. بیشتر موضوعات، مطالب و اهداف منابع علوم انسانی بیشتر در بنسده‌های برای کارآمدی، اثربخشی و کنشگری ساماندهی می‌شوند. علمای تربیتی و جامعه‌شناختی پدیده‌های اجتماعی را به این شیوه مورد مطالعه قرار می‌دهند و تحولات اجتماعی و عوامل تربیتی را برای حال و آینده تفسیر و تبیین می‌کنند. حال با این مقدمه مطول به پدیده بازنشستگی می‌رسیم؛ تا به نقش سازنده گذشته و حال آنان در جامعه خودمان و دیگران اشاره و پرداخته شود. چراکه برای نسل‌های حاضر و آیندگان می‌تواند الگوهای تربیتی سازنده و مخرب نسل‌کنونی باشند. در دنیای مدرن بازنشستگی انسان‌های بی‌مصرف و رقم گرفته نیستند؛ بلکه گنجینه‌هایی قابل باز یافت و غنی هستند که از خانواده تا سطوح مختلف مطالعاتی و تحقیقاتی می‌توان از تجارب آنان بهره برد. از همین رو برای این گروه از مردم در دوران بازنشستگی تمهیدات خدماتی، رفاهی، بهداشتی و تفریحی لازم را در حد اعلی کرامت انسانی و خانوادگی فراهم می‌کنند. اما در جامعه ایرانی آنچه دیده می‌شود برخلاف آموزه‌های دینی و انسانی است. بی‌تفاوتی محض بدون توجه به حداقل‌های زندگی استحقاقی و حتی حقوق انسانی نسبت به بازنشستگان مشاهده و اعمال می‌شود. در جوامع مدرن وقتی فرزندان جامعه و نیروهای فعال که در سطوح مختلف فرهنگی، معنوی، مدیریتی، خدماتی و... مملکت مشغول هستند، حال‌وروز والدین خود- که بازنشستگان و دست‌اندرکاران دیرروز بوده‌اند- را می‌بینند، باانگیزه و امیدوار می‌شوند و به‌تبع آن خود به نیروی کارآمد و اثربخش در چرخه تولید و خدمات جامعه خود تبدیل می‌شوند. این موضوع اما در کشور ما به شکلی تحقیرآمیز و مایوس‌کننده در جریان است. از آنجایی که وضعیت بازنشستگان آینه تمام‌نمایی از برخورد با آیندگان است، برای نسل‌کنونی نتایجی مخرب و ضدتربیتی دارد.

یادداشت

نامه‌ای به آقای ماکیاولی (۳)

رضا صادقیان - استقرار منتقدان حسن روحانی در کرسی‌های مدیریت کلان دولت سیزدهم نشان داد فاصله‌ای میان روبرو شدن با واقعیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خیلی دور نیست. وقتی دولت‌مردان فعلی بیرون از ساختار دولت بودند و جاهای مختلفی برای ارائه سخنرانی و برنامه‌ها دعوت می‌شدند، انجام شدن هر کدام از کارهای مرتبط و غیرمرتبط با دولت، بسیار آسان و سهل می‌نمود. کافی است برای مرتبه‌ای دیگر اظهارات کاندیدای ریاست جمهوری و چهره‌های شاخص دولت سیزدهم را در چهار سال گذشته مرور کنیم؛ اکثر موضع‌گیری این افراد در رسانه‌ها و توییتر موجود است. بی‌تردید به نتیجه‌ای جزء بهبود شرایط پس از تغییر دولت و بیرون کردن «بی‌عرضه‌ها» و «پنهان‌جوها» و «نزلال‌های فسیل» نخواهیم رسید. در واقع مخاطب با تصویری از آینده روبروست و به این نتیجه غیرواقعی و کاذب رسانده می‌شود که با تغییر آدم‌ها و جابه‌جا شدن چهره‌ها می‌توانیم به توسعه و پیشرفت در بخش‌های مختلف برسیم و حل این معضل بزرگ به‌غیراز رفتن دولت حسن روحانی، راه درمان دیگری ندارد. از همین‌رو می‌گفتند؛ پس از رفتن دولت دوازدهم پروژه‌های عمرانی نیمه‌کاره را تمام کنیم، تورم را کنترل نماییم، دردهای مردم را مرهم بگذاریم، وضعیت بورس را در سه روز بهبود ببخشیم، مقابل کوه برف نقدینگی ایستادگی کنیم... اما کارنامه یک‌ساله دولت و آنان که در گذشته هر تصمیم دولت یازدهم و دوازدهم را نقد و نفی می‌کردند و از منابع مالی محدود برای کنترل بازار ارز سستی‌نامند و راهکارهای ساده و آسان در دولتی‌سازی سخن‌ها می‌گفتند، پیش‌روی ما است. کناره‌گیری اجباری وزیر سابق کار و رفاه اجتماعی، به حاشیه رفتن چهره‌های اقتصادی دولت مانند محسن رضایی و فرهاد رهبر، انتقادهای گسترده اصول‌گرایان و نمایندگان مجلس نسبت به تصمیم‌های وزارت اقتصاد و معاون اول رئیس‌جمهور، انتقاد به تصمیم‌گیری‌های وزیر نفت به اسم رسالت اجتماعی، نامشخص بودن طرح نهضت ملی مسکن، بر زمین ماندن پروژه‌های نیمه‌کاره، افزایش قیمت کالاهای اساسی، رشد نقدینگی و... روایت کاستی‌ها، ناتوانی‌ها و سیاست‌گذاری‌های اشتباه دولت سیزدهم است. اشتباهاتی که امکان دفاع از آن را حتی برای چهره‌های اصول‌گرا و مدافعان سابق با دشواری روبرو کرده است. به‌عنوان مثال؛ رسانه رسمی دولت با انتخاب تیترو «سی اقدام شاخص اقتصادی دولت در گفتگو با سی اقتصاددان» به سراغ چهره‌های اقتصادی و مدافع سیاست‌های دولت رفته است تا از دستاوردهای دولت سیزدهم برای مخاطبان بگوید. در میان لیست سی نفره اقتصاددانان حتی به اسم چهره‌های اقتصادی و اقتصاددانان بنام و نزدیک به جریان اصول‌گرا نیز روبرو نیستیم. مهم‌ترین نکته در این گزارش بیان گزاره‌هایی است که امکان اثبات آن با اعداد و ارقام برای ناظران سیاسی و اقتصادی فراهم نیست؛ متن گزارش گواه این مدعاست. در واقع ما با متنی سراسر ارجاعی به آینده روبرو هستیم، آینده‌ای که هنوز برای شهروندان ایران امروز قابل‌دسترس نیست. اقتصاددانان نزدیک به دولت از کارهایی می‌گویند که نمی‌توان با تکبیر اعداد، آنان را برای مخاطبان بازسازی کرد و به‌صورت مشخص آدرس فعالیت‌های قابل ملموس را ذکر نمود. مثلاً و در همین گزارش مورد اشاره برخی از اقتصاددانان می‌گویند؛ تکیه به مردمی کردن اقتصاد توسط دولت، عدم استقرار از بانک مرکزی، افزایش قابل توجه فروش نفت، عدم پیوند اقتصاد به مذاکرات، سرمایه‌گذاری گسترده با منابع داخلی، ایجاد زیرساخت برای اصلاحات ساختاری و... چنانچه به متن گزارش رجوع کنیم با همین عبارات‌های کلی روبرو می‌شویم. مشخص نیست دولت سیزدهم میزان فروش نفت را از کدام نقطه به چه سطحی رسانده است، همچنین هویدا نیست دولت بر اساس کدام شاخص‌ها، اقتصاد را مردمی کرده و اساساً پارادایم اقتصاد مردمی چیست و... مهم‌ترین نکته در این گزارش غیبت اقتصاددانان واقعی است، چهره‌هایی که طی سال‌های گذشته منتقد دولت‌ها بوده‌اند و در شرایط متفاوت سخن خود را بدون پرده‌پوشی و در نظر گرفتن خوشایند دولت‌مردان بر زبان جاری ساختند. وقتی مدعیان سابق، منتقدان بی‌انصاف و چهره‌های سیاسی کم‌تجربه در جایگاه تصمیم‌گیری و مدیریت کلان قرار می‌گیرند، فاصله آنان با واقعیت‌ها نزدیک و نزدیک‌تر می‌شود، بنابراین درک آنان در مقام مقایسه با سخنان بدون بنیان ماه‌های گذشته تغییرات چشم‌گیری خواهد کرد. موضع‌گیری اکثر چهره‌های دولتی نسبت به سال گذشته در حوزه‌های مختلف به‌صورت عام و احیای برجام به شکل خاص تر آن قدر تغییر کرده که گاه مخاطب گمان می‌کند مدیران امروز در حال لبطال مواضع گذشته خود هستند، چراکه به واقعیت‌های غیرقابل کتمان نزدیک‌تر شده‌اند.

یادداشت

نامه‌ای به آقای ماکیاولی (۳)

علی مندنی پور - جناب ماکیاولی! نسخه‌ای که در آن جنگ قدرت میان خاندان‌ها و خانواده‌ها را از یک‌سو و دارودسته کارچاق‌کن‌ها لای‌ها از سوی دیگر را که شما از آن‌ها با اصطلاح sette یاد می‌کنید و باعث فساد و تباهی و در نهایت موجبات سقوط جمهوری ژم و زادگاهت فلورانس را فراهم آورده‌اند را به زیبایی هر چه تمام‌تر ترسیم می‌کنید. نسخه‌ای که در آن از فساد حکومتی گفته‌اید که ناشایستگان مناصبش را اشغال کرده‌اند. عالی‌جناب! اگر این همه غلّ و غش و ناخالصی که بدخواهان و منتقدان برایت ردیف کرده‌اند، یکجا در وجود جمع می‌بود، بازهم جای نگرانی نبود. وقتی در دنیایی که دارد کم‌کم از اخلاق تهی می‌شود و از اصول و ارزش‌های انسانی فاصله می‌گیرد، بازارت پرورق است و شهرت عالم‌گیر و تا دلت بخواهد تعداد عشاق سینه‌چاک و هواخواهان دواتشاه روزبه‌روز دوجندان می‌شوند، چه غمی داری؟ وقتی در فضای بهم‌ریخته‌ای که تشخیص خوب از بد به‌راحتی ممکن نیست و در آن زشت، لباس زیبا را می‌پوشد و زیبا از سر ناچاری لباس‌های زشت را بر تن کرده و راه خود را می‌گیرد و می‌رود، آدم‌ها مدام رنگ می‌بازند و جوامع به‌سرعت در حال پوست‌اندازی هستند، بنیان خانواده متزلزل و در شرایط سقوط قرار می‌گیرد و پدیده‌های ویرانگر بنام «زدواج سپید» آرام‌آرام جای خود را باز می‌کند و کمتر کسی در جای واقعی خود قرار گرفته و تغییر و تحولات غیرقابل‌پیش‌بینی و نظام سلسله‌مراتب از خانه تا مدرسه و خانواده و اجتماع به‌هم‌ریخته بی‌بندوباری بیداد می‌کند و سایه شوم خشونت، جنگ و آدم کشی هر روز بر پهنه دنیا گسترده می‌شود و... این همه دل‌مشغولی و نگرانی‌ات برای چیست؟ دنیای عجیبی است؛ درحالی که در حوزه نظری برای نمونه یک شهروند در این شهر و دیار چشم دیدنت را ندارد و همگان از مدینه فاضله سخن می‌گویند و از خیر و خوبی و نیکی و نیکویی دم می‌زنند و پیوسته از طریق وسایل ارتباطی جمعی و تریبون‌های در اختیار از گفتار نیک، پندار نیکوکاران نیک یادکرده، واعظان خود و مؤمنان را به رعایت تقوای الهی و اصول و ارزش‌های انسانی فرامی‌خوانند و از تو و آثار تیرباری جسته و برات حاصل می‌نمایند و خود «چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند.»

یادداشت

نامه‌ای به آقای ماکیاولی (۳)

محمد رضا چمن‌نژادبان - رسالت تاریخ به همراه متون قدیم و جدید رسیدن به علل و عواملی پدیده‌ها در جوامع مختلف است. برای تحقق واقعی و عینی این رسالت است که معمولاً اندیشمندان، محققان و مورخان با دقت خاصی تحولات موردتحقیق، مطالعات میدانی و بررسی اسنادی قرار می‌دهند. در همین راستا و با توجه به تنوع تحولات و پدیده‌ها بود که علوم متنوع، تخصصی و منسجم پدیدار شده‌اند. تاریخ، جامعه‌شناختی و روانشناسی به‌عنوان محوری‌ترین علوم انسانی هر کدام به شعب تخصصی تقسیم شدند و هر کدام از رشته‌های علوم انسانی به‌واسطه عناوین و رسالتی که برایشان تعریف‌شده، موضوعات مادی و معنوی را حول حوائج، مطالبات و علائق انسانی هدف‌گذاری کرده‌اند و به ابزاری مکتوب و متنقن برای درس‌آموزی شهروندان، سعادت‌مندی جوامع و انتقال تجارب به آیندگان تبدیل‌شده‌اند. چنانچه در بستر عناوین و موضوعات متنوع علوم مشاهده می‌شود، برای تحقق اهداف کلی و جزئی هر رشته برنامه‌ریزی‌های خاص صورت می‌گیرد؛ تا مطالب به شکل تجارب میدانی ریشه‌یابی و مستندسازی شوند. آنگاه پس از پردازش، ثبت و برای یادآوری و انتقال آماده می‌شوند. بیشتر موضوعات، مطالب و اهداف منابع علوم انسانی بیشتر در بنسده‌های برای کارآمدی، اثربخشی و کنشگری ساماندهی می‌شوند. علمای تربیتی و جامعه‌شناختی پدیده‌های اجتماعی را به این شیوه مورد مطالعه قرار می‌دهند و تحولات اجتماعی و عوامل تربیتی را برای حال و آینده تفسیر و تبیین می‌کنند. حال با این مقدمه مطول به پدیده بازنشستگی می‌رسیم؛ تا به نقش سازنده گذشته و حال آنان در جامعه خودمان و دیگران اشاره و پرداخته شود. چراکه برای نسل‌های حاضر و آیندگان می‌تواند الگوهای تربیتی سازنده و مخرب نسل‌کنونی باشند. در دنیای مدرن بازنشستگی انسان‌های بی‌مصرف و رقم گرفته نیستند؛ بلکه گنجینه‌هایی قابل باز یافت و غنی هستند که از خانواده تا سطوح مختلف مطالعاتی و تحقیقاتی می‌توان از تجارب آنان بهره برد. از همین رو برای این گروه از مردم در دوران بازنشستگی تمهیدات خدماتی، رفاهی، بهداشتی و تفریحی لازم را در حد اعلی کرامت انسانی و خانوادگی فراهم می‌کنند. اما در جامعه ایرانی آنچه دیده می‌شود برخلاف آموزه‌های دینی و انسانی است. بی‌تفاوتی محض بدون توجه به حداقل‌های زندگی استحقاقی و حتی حقوق انسانی نسبت به بازنشستگان مشاهده و اعمال می‌شود. در جوامع مدرن وقتی فرزندان جامعه و نیروهای فعال که در سطوح مختلف فرهنگی، معنوی، مدیریتی، خدماتی و... مملکت مشغول هستند، حال‌وروز والدین خود- که بازنشستگان و دست‌اندرکاران دیرروز بوده‌اند- را می‌بینند، باانگیزه و امیدوار می‌شوند و به‌تبع آن خود به نیروی کارآمد و اثربخش در چرخه تولید و خدمات جامعه خود تبدیل می‌شوند. این موضوع اما در کشور ما به شکلی تحقیرآمیز و مایوس‌کننده در جریان است. از آنجایی که وضعیت بازنشستگان آینه تمام‌نمایی از برخورد با آیندگان است، برای نسل‌کنونی نتایجی مخرب و ضدتربیتی دارد.

یادداشت

نامه‌ای به آقای ماکیاولی (۳)

رضا صادقیان - استقرار منتقدان حسن روحانی در کرسی‌های مدیریت کلان دولت سیزدهم نشان داد فاصله‌ای میان روبرو شدن با واقعیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خیلی دور نیست. وقتی دولت‌مردان فعلی بیرون از ساختار دولت بودند و جاهای مختلفی برای ارائه سخنرانی و برنامه‌ها دعوت می‌شدند، انجام شدن هر کدام از کارهای مرتبط و غیرمرتبط با دولت، بسیار آسان و سهل می‌نمود. کافی است برای مرتبه‌ای دیگر اظهارات کاندیدای ریاست جمهوری و چهره‌های شاخص دولت سیزدهم را در چهار سال گذشته مرور کنیم؛ اکثر موضع‌گیری این افراد در رسانه‌ها و توییتر موجود است. بی‌تردید به نتیجه‌ای جزء بهبود شرایط پس از تغییر دولت و بیرون کردن «بی‌عرضه‌ها» و «پنهان‌جوها» و «نزلال‌های فسیل» نخواهیم رسید. در واقع مخاطب با تصویری از آینده روبروست و به این نتیجه غیرواقعی و کاذب رسانده می‌شود که با تغییر آدم‌ها و جابه‌جا شدن چهره‌ها می‌توانیم به توسعه و پیشرفت در بخش‌های مختلف برسیم و حل این معضل بزرگ به‌غیراز رفتن دولت حسن روحانی، راه درمان دیگری ندارد. از همین‌رو می‌گفتند؛ پس از رفتن دولت دوازدهم پروژه‌های عمرانی نیمه‌کاره را تمام کنیم، تورم را کنترل نماییم، دردهای مردم را مرهم بگذاریم، وضعیت بورس را در سه روز بهبود ببخشیم، مقابل کوه برف نقدینگی ایستادگی کنیم... اما کارنامه یک‌ساله دولت و آنان که در گذشته هر تصمیم دولت یازدهم و دوازدهم را نقد و نفی می‌کردند و از منابع مالی محدود برای کنترل بازار ارز سستی‌نامند و راهکارهای ساده و آسان در دولتی‌سازی سخن‌ها می‌گفتند، پیش‌روی ما است. کناره‌گیری اجباری وزیر سابق کار و رفاه اجتماعی، به حاشیه رفتن چهره‌های اقتصادی دولت مانند محسن رضایی و فرهاد رهبر، انتقادهای گسترده اصول‌گرایان و نمایندگان مجلس نسبت به تصمیم‌های وزارت اقتصاد و معاون اول رئیس‌جمهور، انتقاد به تصمیم‌گیری‌های وزیر نفت به اسم رسالت اجتماعی، نامشخص بودن طرح نهضت ملی مسکن، بر زمین ماندن پروژه‌های نیمه‌کاره، افزایش قیمت کالاهای اساسی، رشد نقدینگی و... روایت کاستی‌ها، ناتوانی‌ها و سیاست‌گذاری‌های اشتباه دولت سیزدهم است. اشتباهاتی که امکان دفاع از آن را حتی برای چهره‌های اصول‌گرا و مدافعان سابق با دشواری روبرو کرده است. به‌عنوان مثال؛ رسانه رسمی دولت با انتخاب تیترو «سی اقدام شاخص اقتصادی دولت در گفتگو با سی اقتصاددان» به سراغ چهره‌های اقتصادی و مدافع سیاست‌های دولت رفته است تا از دستاوردهای دولت سیزدهم برای مخاطبان بگوید. در میان لیست سی نفره اقتصاددانان حتی به اسم چهره‌های اقتصادی و اقتصاددانان بنام و نزدیک به جریان اصول‌گرا نیز روبرو نیستیم. مهم‌ترین نکته در این گزارش بیان گزاره‌هایی است که امکان اثبات آن با اعداد و ارقام برای ناظران سیاسی و اقتصادی فراهم نیست؛ متن گزارش گواه این مدعاست. در واقع ما با متنی سراسر ارجاعی به آینده روبرو هستیم، آینده‌ای که هنوز برای شهروندان ایران امروز قابل‌دسترس نیست. اقتصاددانان نزدیک به دولت از کارهایی می‌گویند که نمی‌توان با تکبیر اعداد، آنان را برای مخاطبان بازسازی کرد و به‌صورت مشخص آدرس فعالیت‌های قابل ملموس را ذکر نمود. مثلاً و در همین گزارش مورد اشاره برخی از اقتصاددانان می‌گویند؛ تکیه به مردمی کردن اقتصاد توسط دولت، عدم استقرار از بانک مرکزی، افزایش قابل توجه فروش نفت، عدم پیوند اقتصاد به مذاکرات، سرمایه‌گذاری گسترده با منابع داخلی، ایجاد زیرساخت برای اصلاحات ساختاری و... چنانچه به متن گزارش رجوع کنیم با همین عبارات‌های کلی روبرو می‌شویم. مشخص نیست دولت سیزدهم میزان فروش نفت را از کدام نقطه به چه سطحی رسانده است، همچنین هویدا نیست دولت بر اساس کدام شاخص‌ها، اقتصاد را مردمی کرده و اساساً پارادایم اقتصاد مردمی چیست و... مهم‌ترین نکته در این گزارش غیبت اقتصاددانان واقعی است، چهره‌هایی که طی سال‌های گذشته منتقد دولت‌ها بوده‌اند و در شرایط متفاوت سخن خود را بدون پرده‌پوشی و در نظر گرفتن خوشایند دولت‌مردان بر زبان جاری ساختند. وقتی مدعیان سابق، منتقدان بی‌انصاف و چهره‌های سیاسی کم‌تجربه در جایگاه تصمیم‌گیری و مدیریت کلان قرار می‌گیرند، فاصله آنان با واقعیت‌ها نزدیک و نزدیک‌تر می‌شود، بنابراین درک آنان در مقام مقایسه با سخنان بدون بنیان ماه‌های گذشته تغییرات چشم‌گیری خواهد کرد. موضع‌گیری اکثر چهره‌های دولتی نسبت به سال گذشته در حوزه‌های مختلف به‌صورت عام و احیای برجام به شکل خاص تر آن قدر تغییر کرده که گاه مخاطب گمان می‌کند مدیران امروز در حال لبطال مواضع گذشته خود هستند، چراکه به واقعیت‌های غیرقابل کتمان نزدیک‌تر شده‌اند.